

ترانه‌های ایمنی

نگاهی به مجموعه‌ی

«ترانه‌های ایمنی» سروده‌ی مصطفی رحماندوست

اکرم کشایی

نام کتاب: مجموعه‌ی ترانه‌های ایمنی

نویسنده: مصطفی رحماندوست

تصویرگر: رویا بیژنی

ناشر: افق

نوبت چاپ: نخست، ۱۳۸۹

شمارگان: ۳ هزار نسخه

شمار صفحه‌ها: ۱۶ صفحه

قیمت: ۱۰۰۰ تومان



می‌آیند آگاه سازد. این آموزش‌ها در هیچ کجا شکل امر و نهی به خود نمی‌گیرند بلکه در قالب روایت‌های کوتاه همراه با طنز، سؤال و جواب‌های کودکانه و به صورت اشعاری با بار موسیقایی غنی به دنیای ذهنی کودک پیوند می‌خورند. حرکت موجود در این اشعار آن‌ها را به سمت نمایشی مهیج و جذاب، زنده و جاندار پیش می‌برد.

چی، چی، قیچی

در جلد اول، قیچی دست به کار می‌شود و موی عروسک را قیچی می‌کند:

چی، چی، قیچی / قیچی چی رو برید؟ چی؟ / موی عروسکش رو / موهای اسباب‌بازی خوشگل و کوچکش رو / عروسکش کچل شده / وای وای! / اشک می‌ریزه های.

بند «چی چی، قیچی / قیچی چی رو برید؟ چی؟» در تمام صفحات کتاب تکرار می‌شود و هر بار روایتی کوتاه

ترانه‌های ایمنی، سه مجموعه شعر تازه از مصطفی رحماندوست است که فرصتی تازه به ما می‌دهد تا تجربیاتی تازه‌تر را در شعر کودک ببینیم. شعر-بازی، مهم‌ترین ویژگی آثار این مجموعه‌ها است.

کودکان در این سن بیش‌تر از طریق ور رفتن با اشیاء و سروکله زدن با آن‌ها به فراگیری می‌پردازند. انتخاب موضوع آموزشی و شیوه‌ی بیان آن از جمله عواملی هستند که در تولید یک کتاب آموزشی برای کودکان اهمیت زیادی دارند؛ هر چه قدر که موضوع انتخابی و شیوه‌ی بیان آن به دنیای مخاطب مورد نظر نزدیک‌تر باشد، آن کتاب موفق‌تر عمل خواهد کرد.

مصطفی رحماندوست در مجموعه‌ی ۳ جلدی «ترانه‌های ایمنی» تلاش می‌کند با بیانی کودکانه و زبانی آهنگین و بازی‌گونه، کودکان را با موارد استفاده‌ی درست از وسایل خطرناکی مثل چاقو، قیچی، میخ و... آشنا کند و همچنین آن‌ها را از خطرات و حوادثی که در اثر بی‌احتیاطی پیش





را دنبال می‌کند. گاهی کاربرد درست قیچی آموزش داده می‌شود و گاهی موارد نادرست استفاده از آن بیان می‌شود. با هر بار تکرار این سؤال، زمینه‌ی توجه کودک به اطرافش فراهم شده و او وارد فضای شعر می‌شود. در جای دیگری، قیچی موی پسرکی را به اشتباه می‌چیند:

چی، چی، قیچی / قیچی چی رو برید؟ چی؟ / موهای جون جونی شو / کاکل پیشونی شو کتابی را پاره می‌کند:

چی، چی، قیچی / قیچی چی رو برید؟ چی؟ / کتابی رو که قصه‌ای قشنگ داشت / نقاشی‌های خوب و رنگارنگ داشت

دامنی را می‌برد:

چی، چی، قیچی / قیچی چی رو برید؟ چی؟ / دامن خوشگلش را / وای وای چه کارها!

و در موارد دیگری، عملکرد مفیدی دارد:

چی، چی، قیچی / قیچی چی رو برید؟ چی؟ / هیچی رو قیچی نبرید / دور و بر عکسی رو چید / عکسو زدم به دفترم / دفتر من قشنگ شد / خوشگل و رنگارنگ شد

و یا از گل‌خانه، دسته‌گلی را برای عروس می‌چیند:

چی، چی، قیچی / قیچی چی رو برید؟ چی؟ / رفت با پدر به گل‌خونه / جایی که گل فراوونه / وقتی رسید / گل‌ها رو دسته دسته دید / چند تا گل از گل‌خونه چید / دسته‌گل دست عروس / بزن و بکوب، ببوس و ببوس.

قو، قو، چاقو

در جلد دوم رحماندوست دست بچه‌ها را می‌گیرد و با خودش به آشپزخانه‌ی داخل کتاب و قصابی و... می‌برد. در آشپزخانه چاقو در دستان مادر است و مشغول کار:

قو، قو، چاقو / چاقوی تیزی داشتیم / چاقوی تیز ما کو؟ / کنار دست مادره / اون‌جا که باشه بهتره / می‌خواد باهاش پوست سیبوی بگیره / سیب‌زمینی رو خرد کنه

بعد چاقو به دست «آقا موشه» می‌افتد و بچه‌ها یاد می‌گیرند که چاقوی آشپزخانه برای بریدن پنیر مناسب نیست:

قو، قو، چاقو / چاقوی تیزی داشتیم / چاقوی تیز ما کو؟ / چاقو رو موشه برده / باهاش پنیر بریده / رو نون گذاشته خورده / وای موشی جون / چاقوی تیز، کارد پنیر نمی‌شه / پنیر و با کارد خودش ببر، بخور همیشه

چاقو به دست قصاب می‌افتد:

چاقویی که تیزه و جیز و جیزه / توی دکان قصابی

عزیزه

به همین ترتیب داستان ادامه پیدا می‌کند و چاقو به

دست عروسک و پیشی می‌افتد؛

اول صبح بود ساعت شش و هفت / عروسکم، یواشکی

چاقو رو برداشت و رفت / چاقو که اسباب‌بازی شما نیست / جاش توی خونه‌ی عروسکا نیست / و اما پیشی:

چاقوی تیز رو پیش پیشی چه کار کرد؟ / کار خودش رو زار کرد / وای نکنه دست و پاهاش بره / دم و سیبل و گوش‌هاشو ببره! / زود برو تا دیر نشده / دیر دیر / از پیشی اون چاقوی تیزو بگیر

همان‌طور که می‌بینید، بیانی که شاعر به کار می‌برد بیانی مستقیم و خطاب به کودک نیست، او مستقیماً از کودک نمی‌خواهد که به چاقو دست نزند بلکه ذهن کودک را درگیر ماجراهایی می‌کند که برای دیگران اتفاق می‌افتند و در واقع این خود کودک است که توسط شاعر در موقعیتی قرار گرفته که عروسک و پیشی را از کار اشتباه‌شان بر حذر می‌دارد.

دست دست دست دست می‌زنم

در جلد سوم سخن از حوادثی است که امکان دارد برای کودک پیش بیاید:

بستنی ریختن روی لباسش، سوزن رفتن توی دستش، بی‌احتیاطی کردن و زمین خوردن، بریده شدن دستش با چاقو، شیر گاز را باز گذاشتن و آتش‌سوزی، لباس گرم نبوشیدن و سرما خوردن و... این اتفاقات و حوادث از کودکان دور نیستند و شاعر گاهی از زبان خود کودک آن‌ها را بیان می‌کند:

لیس لیس لیس، یواش یواش / پیرهن من تمیزه / مواظلم که بستنی / رو لباسم نریزه



مصطفی رحماندوست

رحماندوست از اسم صوت‌ها با بسامد بالایی در اشعارش استفاده می‌کند که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

عروسکش کچل شده وای وای / اشک می‌ریزه های
های (ج ۱)

قان قان قان / ماشین می‌آد/ با سرعت خیلی زیاد/ قیژ
می‌کشه دود، دود، دود (ج ۳)

ببو ببو، بوق بوقانی / ماشین آتیش‌نشانی (ج ۳)
هاپوچی پوچی، هاپوچی پوچی / نوبرشو آورده (ج ۳)
تق تق تق، مشغول کار/ که ناگهان میو داد و هوار
(ج ۳)

پیف پیف پیف / چه قدر کنیفه کوچه (ج ۳)
مشتری گوشت رو می‌خره / می‌پزه، هام هام می‌خوره
(ج ۲)

تاتی تاتی تا می‌رفته / سر به هوا می‌رفته (ج ۳)
اگر دقت کنید به یاد می‌آوردید که بسیاری از این اسم
صوت‌ها در بازی‌های کودکان جریان دارند و همین باعث
می‌شود این اشعار به سمت «شعر- بازی»های کودکانه
سوق داده شوند.



واج‌آرایی و تکرار واژه‌ها

از تکرار نُت‌ها، آهنگ‌ها ساخته می‌شوند و از تکرار
واج‌ها و واژه‌ها، کلماتی آهنگین. این کلمات در درون اشعار
جای می‌گیرند و وزنه‌ی وزن را سنگین‌تر می‌کنند. کلام هر
چه آهنگین‌تر باشد برای مخاطب خردسال دلنشین‌تر است.
بسامد استفاده از واج‌آرایی در اشعار بسیار است که به
نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم:

مامان می‌خواد سوپ بیزه / یک سوپ خوب خوشمزه
(در حرف «خ» ج ۲)
افتاده و داد می‌زنه / هی داره فریاد می‌زنه (در حرف
«د» ج ۳)

دختر من قشنگ شد / قشنگ و رنگارنگ شد (در
حرف‌های «ش» و «گ» ج ۱)
تکرار قسمتی از یک واژه در واژه‌ای دیگر:

چی، چی، قیچی / قیچی چی رو برید؟ چی؟ (ج ۱)
موهایی که رنگ و وارنگش می‌کرد (ج ۱)
چند تا گل از گل‌خونه چید (ج ۱)
دسته گل دست عروس (ج ۱)
قوقو، چاقو / چاقوی تیزی داشتیم / چاقوی تیز ما کو؟
(ج ۲)

تیش تیش تیش گرفته / وای خدا آتیش گرفته (ج ۳)
تکرار واژه‌ها:

موهای ریزه ریزه / رو صندلی می‌ریزه (ج ۱)
به چیز پاره پاره / که بادبادک نمی‌شه (ج ۱)
گل گل گل گلی رو / یک گل خوشگلی رو (ج ۱)

گاهی به دنبال پاره شدن کتاب قصه، همراه با تأسف از آن چه روی داده بیان می‌شود:

کتابی که قصه‌هاشو شنیده / مامان براش خریده
کتاب پاره پاره / قصه و نقاشی دیگه نداره
در این جلد نیز، اشعار حالت خطابی به خود نمی‌گیرند و
انگشت اشاره‌ی شاعر مستقیماً کودک را نشانه نمی‌گیرد.
او ترجیح می‌دهد از صیغه‌ی دوم شخص استفاده نکند.
بلکه با استفاده از صیغه‌ی اول شخص و یا سوم شخص،
زاویه دیدی را انتخاب می‌کند که مجبور نباشد در اشعارش
مخاطب را نصیحت کند. این شیوه‌ی بیان میزان پذیرش
مخاطب را بیش‌تر می‌کند و از تحکم اشعار می‌کاهد.

وزنه‌ی سنگین موسیقی و زبان مطمئن کودکانه

مصطفی رحماندوست در جایی گفته است وزن اشعارش
را از بازی، حرکت و رفتار بچه‌ها می‌گیرد.

علاوه بر وزن و قافیه و ردیف، عناصر دیگری نیز وجود
دارند که استفاده از آن‌ها نه تنها در افزایش بار موسیقایی
زبان اهمیت زیادی دارند بلکه به کودکانگی زبان می‌افزایند
و بسیاری از آن‌ها برگرفته از بازی‌های کودکانه و دنیای
بچه‌ها هستند:

«اسم صوت»ها

اسم صوت‌ها، این صداها را برگرفته از طبیعت، اشیاء،
حیوانات و... که معمولاً از تکرار حرف‌ها ساخته می‌شوند
علاوه بر نزدیکی به زبان کودکانه، دارای باری موسیقایی
هم هستند.

دم دم ناز گریه‌رو / دم دراز گریه‌رو (ج ۱)

دست دست دست، دست می‌زنم (ج ۳)

پا پا پا می‌کوبم (ج ۳)

تکرار فعل:

دیدم، دیدم پیشی پیشی اون رو برداشت (ج ۲)

صدای ترمز چی بود؟/ کی بود، چی بود، چه طور شد؟

(ج ۳)

ببار ببار تا کوچهمون تر بشه / شسته بشه، تمیز بشه،

یک کمی بهتر بشه (ج ۳)

تیغ بوده یا اره یا چاقو بوده؟/ هر چی بوده کار خود او

بوده (ج ۳)

دور یا نزدیک؟

فضای حاکم بر اشعار به خاطر استفاده از اصطلاحات و

واژه‌ها، وسایل و علایق برگرفته از دنیای کودکی مثل (اوف

شده، پوف شده، عروسک، اسباب‌بازی، جون جونی، رنگ و

وارنگ، بادبادک، خوشگل، ناز، میومیو، بستنی، تاتی تاتی،

هپل هپول، مامان جون، موشی جون، پیشی، جیزه، ملج

ملوچ، یواشکی، کوچولو و ریزه ریزه و...) زمینه‌ی برقراری

ارتباط بیش‌تر را با کودک فراهم می‌کند. هر چند گاهی

استفاده از اصطلاحات بیگانه با فضای مذکور، این ارتباط

را ضعیف می‌کند که بهتر بود شاعر به راحتی از کنار آن‌ها

نمی‌گذشت:

دامن دخترک دیگه خرابه/ دامن بیچاره دلش کبابه (ج

۱)

آیا کودک معنای کباب شدن دل دامن را در می‌یابد؟

چاقو تو آشپز خونه/ منتظره خربزه رو قاچ کنه/ با لبه‌ی

تیز خودش/ خربزه رو ماچ کنه (ج ۲)

تشبیه لبه‌ی چاقو به لب و تصویری که بعد از آن آفریده

می‌شود یعنی «چاقویی که با لبه‌ی تیز خودش، خربزه را

می‌بوسد» پارادوکس نامفهومی برای کودک می‌سازد. چرا

که بوسه با ملایمت و مهربانی همراه است در حالی که

لبه‌ی تیز چاقو، برنده و خطرناک است.

در بند زیر شاعر به دنبال اغراقی برای نشان دادن درد

و سوزش ناشی از فرو رفتن سوزن در دست، تشبیه سوزن

به سگ هار را می‌آورد که در ذهن کودک به خوبی جای

نمی‌گیرد:

سوزن بوده، مار شده/ مثل سگ هار شده/ دست منو

گریده/ غصه برام خریده

هم‌چنین در مثال بالا عبارت «غصه برام خریده» برای

کودک قابل درک نیست چرا که از نظر او غصه خریدنی

نیست.

محاوره در شعر کودک

مادران معمولاً در برخورد با فرزندان خود از نوعی

زبان مادرانه استفاده می‌کنند. مثلاً به صورتی محاوره‌ای



قربان صدقه‌ی فرزندان می‌روند. کودک کم‌کم با این اصطلاحات محاوره‌ای در محیط خانه آشنا می‌شود. این اصطلاحات در شعر کودک مثل پلی هستند که فضای شعر را به فضای خانه پیوند می‌زنند و ارتباط کودک را با شعر تقویت می‌کنند:

به شام خوشمزه بیز مامان جون/ قد و بالاتو قریبون (ج ۲)

چاقوی تیز که دست و پا نداره/ کاری به کار بچه‌ها نداره (ج ۲)

کجا می‌رفتی؟/ به مدرسه/ حالا چی شده؟/ خدا به دادش برسه (ج ۳)

تاتی تاتی تا می‌رفته/ سر به هوا می‌رفته/ زیر پاشو خوب ندیده/ هپل هپول پریده (ج ۳)

وای وای چه کارها؟/ بازی با گاز، واویلا (ج ۳)

موهای جون جونی شو/ کاکل پیشونی شو (ج ۱)

گره‌ی دم بریده/ کی دیده، کی شنیده؟ (ج ۱)

حواس درست نداشته/ شیر گازو باز گذاشته/ بازی بازی بازی کرده/ روده درازی کرده (ج ۳)

هاپوچی پوچی/ هاپوچی، پوچی/ نوبرشو آورده/ چاپیده بابا/ حسابی سرما خورده (ج ۳)

اما استفاده از بعضی اصطلاحات محاوره‌ای که بار معنایی منفی دارند در شعر کودک شایسته نیست:

سوزن بوده، مار شده/ مثل سگ هار شده (ج ۳)

چاقوی تیز که کارد صبحونه نیست/ جاش توی دست موش دیوونه نیست (ج ۲)